

غزل شماره ۳۹۳

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقتِ ما کافر است رنجیدن

به پیر می‌کده گفتیم که چیست راه نجات؟

بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن

مراد دل ز تماشای باغِ عالم چیست ؟
به دستِ مردمِ چشم از رخ تو گل چیدن

به می پرستی از آن نقشِ خود زدم بر آب
که تا خراب کنم نقشِ خود پرستیدن

به رحمتِ سر زلفِ تو وا شدم ورنه
کشش چون بود از آن سو چه سود کوشیدن ؟

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس
که وعظِ بیِ علان واجب است شنیدن

ز خط یار یاموز مهربارخِ خوب
که گرد عارضِ خوبان خوش است گردیدن

مبوس جز لبِ ساقی و جام می حافظ
که دستِ زهد فروشان خطاست بوسیدن

تفسیر فال

به دنبال راه نجاتی هستید و دیگر از این وضعیت خسته شده‌اید. احساس می‌کنید که اطرافیانتان تنها عیوب شما را به رختان می‌کشند و هیچ توجهی به هنر و توانمندی‌های شما ندارند، در حالی که در واقع شما مهد خوبی‌ها و فضائل هستید. با شهامت و اراده‌ای قوی، قادر خواهید بود به مراد دلتان دست یابید، زیرا اعتماد شما به خداوند منبع امید و قدرتی بی‌پایان است. بنابراین، بی‌طاقت نشوید؛ هر کلمه‌ای که بر زبان می‌آورید باید با عمل همراه

باشد تا تأثیر واقعی خود را بگذارد. شما نه تنها خودتان بلکه اطرافیان را نیز به یادگیری خوبی‌ها ترغیب می‌کنید و این یک نعمت بزرگ است. با این حال، مراقب باشید که در مسیرتان خطا نکنید؛ چراکه اشتباهات کوچک ممکن است باعث شوند تمام زحماتتان به باد فنا برود. لذا همواره با دقت گام بردارید تا بتوانید بهترین نسخه از خود را ارائه دهید و تأثیری مثبت بر زندگی دیگران بگذارید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)